

برآمدن طبقه‌ی متوسط جدید در ایران (با تمرکز بر حوزه‌های معماری و ادبیات)*

رضا تسلیمی طهرانی^۱

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر توصیف و تحلیل چگونگی برآمدن طبقه‌ی متوسط جدید در ایران از طریق مطالعه و بررسی شاخص‌ها و مولفه‌های مرتبط با سبک زندگی مانند معماری، اوقات فراغت، روابط اجتماعی و ... در بازه‌ی زمانی سالهای ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ه.ش و دستیابی به جهان بینی، معانی، ارزش‌ها و اندیشه‌های اعضای این طبقه در دوره زمانی ذکر شده است. در پژوهش حاضر به منظور دستیابی به هدف‌های تحقیق از روش تاریخی با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تحولات معماری و شهرسازی در دوره‌ی پهلوی اول و بازخوانی و تحلیل رمان‌های نوشته شده از سوی نویسندگان شاخص این دوره از چگونگی ظهور تمایزهای طبقاتی، شکل‌گیری طبقه متوسط جدید و سبک زندگی متناظر با آن خبر می‌دهد. در این راستا، اتکا به معیارهای جدید معماری در بنای ساختمان‌های عمومی و خصوصی و امکانات و فضاهای جدید شهری مانند سینماها، کافه‌ها و مغازه‌ها در کنار برجسته شدن موضوع‌هایی مانند حضور زنان در زندگی اجتماعی، تحصیل و اشتغال زنان، عشق و ازدواج به سبک جدید و پدید آمدن مشکل‌های خانوادگی و مسائل اجتماعی نوظهور نشان‌دهنده چگونگی ظهور این طبقه و سبک زندگی اعضای آن است. بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که جهان بینی و ارزش‌های اعضای طبقه‌ی متوسط جدید را می‌توان در حول مولفه‌هایی مانند فردگرایی، ناسیونالیسم و تجددگرایی مشخص نمود.

کلیدواژه‌ها: طبقه متوسط جدید، سبک زندگی، تمایز، معماری، ادبیات، پهلوی اول

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰؛ تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶)

Doi: <http://10.22034/JSI.2023.556175.1596>

* مقاله علمی پژوهشی؛

taslimi@ricac.ac.ir

۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران؛

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۱۷-۹۵

۱. بیان مسأله

طبقه متوسط جدید از مهمترین طبقات و گروه های اجتماعی است که شناخت و تحلیل فرهنگ و سبک زندگی آن می‌تواند به درک شرایط اجتماعی جامعه و مسیر آینده آن منجر شود.

از لحاظ تاریخی، می‌توان زمینه‌های ظهور طبقه متوسط سنتی و طبقه متوسط جدید را به دوران قاجار و عصر مشروطیت نسبت داد، به نحوی که از سویی، بازاریان شهرنشین و علمای دینی به هم نزدیک‌تر شدند و به تشخیص طبقه متوسط سنتی یاری رساندند و از سوی دیگر ارتباط با غرب از طریق سفر، ترجمه و موسسات آموزشی به تشخیص طبقه متوسط جدید و سبک زندگی متمایز آنها منجر گشت (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۳). با این حال، تنها در دوران پهلوی اول بود که طبقه متوسط جدید به عنوان طبقه‌ای مشخص و متمایز به ظهور رسید و نقش آن در ایجاد تحولات اجتماعی تثبیت گشت (همان: ۱۳۳).

در این دوره، با توجه به تغییرهای ساختاری و گفتمانی ایجاد شده در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زمینه‌های ایجاد طبقه متوسط جدید فراهم شد. از جمله این تغییرات می‌توان به اجبار انتخاب نام و نام خانوادگی و ایجاد شناسنامه، ایجاد وسایل ارتباطی و راه‌های مختلف، گسترش بوروکراسی، نوسازی نظام قضایی، دگرگونی نظام آموزشی، اصلاح ساختار مالی و اقتصادی و نظایر اشاره کرد (گارثویت، ۱۳۸۷؛ کمالی ۱۳۸۱؛ اکبری ۱۳۸۱؛ دیگر و دیگران، ۱۳۷۷؛ اشرف و بنو عزیز، ۱۳۸۸).

در این زمان، متناسب با تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رخ داده، گسترش سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی به ایجاد و تثبیت طبقات مختلف اجتماعی منجر شد. از اینرو، قشرهای مختلف اجتماعی به تدریج به طبقه های اجتماعی تبدیل شدند و هر کدام سبک زندگی ویژه ای پیدا کردند. بر این اساس، در دوره‌ی پهلوی اول می‌توان از طبقات مختلف مانند اشراف و ثروتمندان، کارگران، طبقه متوسط جدید (کارمندان، روشنفکران، پزشکان، مهندسان، وکیل‌ها، استادان و نظامیان) و طبقه متوسط سنتی (بازاریان و روحانیان) سخن گفت.

شاخص‌ها و مولفه‌هایی چون معماری، اوقات فراغت، روابط اجتماعی و ... از جمله مهمترین عناصر سبک زندگی طبقات مختلف هستند که از رهگذر شناخت آنها می‌توان به درک سبک زندگی این طبقه‌ها نائل شد. چنین مولفه‌هایی نشان دهنده جهان بینی، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و ایده‌های طبقه متوسط جدید است و معانی و راه‌های معنا بخشی به زندگی در بین اعضای این طبقه را آشکار می‌سازد.

در پژوهش حاضر کوشش می‌شود تا با تمرکز بر دو حوزه معماری و ادبیات، مولفه‌های مرتبط با سبک زندگی در بین اعضای طبقه متوسط جدید در بازه‌ی زمانی سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش (که نخستین سال‌های ظهور و تثبیت طبقه متوسط جدید در جامعه ایران است) توصیف شود و فهم و تحلیل این مولفه‌ها مورد توجه قرار گیرند. به بیان دیگر، حوزه‌های معماری و ادبیات نشان‌دهنده شکل‌گیری سبک زندگی طبقه متوسط جدید و بازتاب‌دهنده تغییرات رخ داده در عرصه‌های اوقات فراغت، روابط اجتماعی و ... هستند به نحوی که می‌توان با مطالعه این حوزه‌ها چگونگی ظهور طبقه متوسط جدید در جامعه ایران را بررسی نمود.

در مجموع، مسئله اصلی پژوهش حاضر توصیف، فهم و تحلیل چگونگی برآمدن طبقه‌ی متوسط جدید در ایران از طریق مطالعه و بررسی شاخص‌ها و مولفه‌های مرتبط با سبک زندگی مانند معماری، اوقات فراغت و روابط اجتماعی در بازه‌ی زمانی موردنظر است تا به این وسیله بتوان به شناخت و درک سبک زندگی اعضای این طبقه دست یافت و جهان بینی، معانی، ارزش‌ها و اندیشه‌های آنها را توصیف، فهم و تحلیل نمود. به بیان دیگر، عرصه‌هایی مانند اوقات فراغت، روابط اجتماعی، و ... محل بروز خواسته‌ها و آرزوهای اعضای طبقه متوسط جدید هستند و مطالعه آنها می‌تواند ما را در فهم چگونگی برآمدن این طبقه، سبک زندگی اعضای آن و جهان-بینی و ارزش‌های آنها در بازه زمانی ذکر شده یاری رساند.

۲. پرسش‌های اصلی تحقیق

۱. ابعاد، خصوصیت‌ها و ویژگی‌های شاخص‌ها و مولفه‌های مرتبط با سبک زندگی مانند معماری، اوقات فراغت، روابط اجتماعی و ... در بین اعضای طبقه متوسط جدید و در بازه‌ی زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش کدام اند؟ چگونه می‌توان آنها را توصیف، فهم و تحلیل کرد؟
۲. چگونه می‌توان از رهگذر توصیف، فهم و تحلیل شاخص‌ها و مولفه‌هایی چون معماری، اوقات فراغت، روابط اجتماعی و ... در دوره‌ی زمانی ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ه.ش به شناخت، درک و تحلیل جهان‌بینی، معانی و ارزش‌های اعضای طبقه‌ی متوسط جدید دست یافت؟

۳. اهداف تحقیق

مهم‌ترین هدف‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. ارائه‌ی تصویری دقیق از چگونگی برآمدن طبقه‌ی متوسط جدید در ایران بر اساس مطالعه مولفه‌هایی مانند معماری، اوقات فراغت و روابط اجتماعی در دوره‌ی زمانی ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ه.ش به منظور شناخت سبک زندگی اعضای این طبقه نوظهور.

۲. نفوذ به زندگی اعضای طبقه‌ی متوسط جدید و کوشش در جهت فهم چگونگی نگرستن به جهان و معنادهی به آن از سوی آنها در بازه‌ی زمانی اشاره شده به منظور شناخت مولفه‌های جهان بینی و ارزش‌های اعضای این طبقه.

۴. پیشینه تجربی تحقیق

در مورد مطالعه جامعه‌شناختی جامعه ایران در دوران پهلوی اول آثار قابل توجهی تالیف شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به جامعه‌شناسی انزوای روشنفکران، نقد کنش‌های روشنفکران عصر مشروطه تا پایان سلطنت پهلوی اول (زاهدی و حیدرپور، ۱۳۸۷)، زمینه‌های فرهنگی و ادبی کشف حجاب در ایران؛ شعر مخالفان و موافقان (جوادی یگانه و عزیزی، ۱۳۸۸)، تبیین جامعه-شناختی سیاست‌های هویتی دولت پهلوی اول (آزاد ارمکی، حاضری، ساعی و نصرتی نژاد، ۱۳۹۹) و دیرینه‌شناسی برساخت زنانگی در ایران از عصر مشروطه تا پایان پهلوی اول (ذکایی، امن پور و اکبری، ۱۳۹۸) اشاره کرد. همچنین در این میان آثار متعددی به بررسی حوزه‌های معماری و ادبیات در دوران پهلوی اول پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به معماری دوره پهلوی اول (کیانی، ۱۳۷۹) و صورت‌بندی میدان تولید ادبی ایران (پرستش، ۱۳۸۵) توجه نمود. با این حال، آثار اشاره شده بر موضوع مطالعاتی خویش متمرکز بوده‌اند و در هیچ کدام از آنها تحولات مورد بررسی با ظهور طبقه متوسط جدید و سبک زندگی اعضای آن در ارتباط قرار نگرفته است. از اینرو، پژوهش حاضر امیدوار است بتواند با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های فوق و سایر مطالعات انجام شده در مورد تاریخ معاصر ایران، چگونگی برآمدن طبقه متوسط جدید و سبک زندگی اعضای آن را در دوره پهلوی اول بررسی و تحلیل کند.

۵. روش تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق و دستیابی به هدف‌های آن از روش تاریخی با رویکرد کیفی استفاده شده است. در این راستا بر دو حوزه‌ی معماری و ادبیات تمرکز شده و منابع دست اول و دست دوم مختلف تاریخی مرتبط با دوره زمانی ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ه.ش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پژوهش حاضر امیدوار است با مطالعه دو حوزه معماری و ادبیات در دوره زمانی یاد شده بازتاب تغییرهای شکل گرفته در عرصه‌های اوقات فراغت، روابط اجتماعی، خوراک و ... را که نشان دهنده سبک زندگی اعضای طبقه متوسط جدید هستند، بررسی کند. به بیان دیگر، تحولات شکل گرفته در حوزه‌های معماری و ادبیات از تحول جامعه خبر می‌دهند و تغییرات مربوط به سبک زندگی در آنها منعکس شده است.

شیوه انتخاب نمونه‌ها در دو حوزه ذکر شده بر اساس منطق نمونه‌گیری نظری و هدفمند انجام شد. در این راستا، نمونه‌هایی انتخاب شدند که محتوای‌شان از بیشترین ارتباط با هدف های پژوهش برخوردار باشند و در راه دستیابی به پاسخ پرسش‌های تحقیق بیشترین روشنایی بخشی را داشته باشند (اووه، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۴۱). همچنین، به منظور جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها، روش تحلیل محتوی کیفی مورد استفاده قرار گرفت. در این راستا، کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های لازم انجام شد تا مقوله‌های فرعی و اصلی تشخیص داده شوند.

۶. مبانی نظری

در مورد تعریف مفهوم طبقه در جامعه‌شناسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی به چشم می‌خورد. در بین جامعه‌شناسان کلاسیک مارکس و وبر و در بین جامعه‌شناسان معاصر بوردیو و گیدنز بیش از همه به مفهوم طبقه پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر تاکید اصلی بر رویکرد نظری بوردیو در مورد مفاهیم طبقه و سبک زندگی قرار دارد و از دیدگاه‌های او بیش از دیگران استفاده شده است.

به نحو کلی بوردیو طبقات را گروه‌بندی‌هایی از افراد در نظر می‌گیرد که بر اساس ترجیح‌های شبیه و یا نزدیک به هم و جایگاه‌هایی که در درون میدان‌های اجتماعی اشغال می‌کنند شکل می‌گیرند. از نظر بوردیو، طبقه اجتماعی را نمی‌توان بر اساس یک خصیصه یا مجموعه‌ای از خصوصیت‌ها در نظر گرفت بلکه طبقات با ساختار روابط میان همه خصوصیات ذی ربط تعریف می‌شوند که ارزش مربوط به هریک از آنها را تعیین می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۱۵۸). همچنین، طبقه اجتماعی فقط با موقعیت در روابط تولید تعریف نمی‌شود بلکه با منش طبقاتی که قاعدتا با آن موقعیت همراه است تعریف می‌شود (همان: ۵۱۳) و (جنکینز، ۱۹۹۶: ۸۸).

بر این اساس، با در نظر گرفتن ترکیب سرمایه‌ها، طبقات بالا، میانه و پایین از هم متمایز می‌شوند و با توجه به تفکیک سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، طبقات بالا و متوسط و پایین به نحو درونی بر اساس توزیع نابرابر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی به پاره طبقه‌های مختلف

تقسیم می‌شوند. در متن حاضر ما طبقه را در مفهومی که بوردیو مراد کرده است در نظر می‌گیریم زیرا چنین تعریفی با قرار دادن سرمایه فرهنگی در کنار سرمایه اقتصادی از جامعیت بیشتری برخوردار است و در جهان امروز که سرمایه فرهنگی نقش مهمی در تحولات اجتماعی دارد امکانات بیشتری را به منظور تحلیل جوامع فراهم می‌آورد. از اینرو، هنگامی که از طبقه متوسط در ایران سخن می‌گوییم منظورمان افرادی است که از نظر در اختیار داشتن سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در موقعیتی میانی و در بین طبقه‌های بالا و پایین جامعه قرار دارند. طبقه‌ی متوسط در ایران از زیر طبقه‌های مختلف متفاوتی تشکیل شده است که می‌توان به نحو کلی آنها را به دو زیر طبقه‌ی متوسط سنتی و متوسط جدید تقسیم کرد. هر کدام از این زیرطبقه‌ها، به رغم آنکه از نظر در اختیار داشتن سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی به نحو کلی در موقعیتی میانی قرار دارند از مشخصات و سبک زندگی متفاوتی برخوردارند و باید به نحو جداگانه مورد توجه قرار گیرند. با استفاده از رویکرد بوردیو، طبقه‌ی متوسط سنتی با میزان سرمایه‌های اقتصادی بیشتر و سرمایه‌های فرهنگی کمتر (مغازه داران کوچک، پیشه‌وران) و طبقه‌ی متوسط جدید با میزان سرمایه‌های فرهنگی بیشتر و سرمایه‌های اقتصادی کمتر مشخص می‌شوند. (معلمان مدرسه، کارمندان عادی بخش دولتی). (بوردیو، ۱۳۹۰: ۱۸۴ و ۱۸۵).

همچنین، بوردیو به مفهوم سبک زندگی توجه می‌کند و به تحلیل شیوه‌های مختلف و سلیق و ذائقه‌های^۱ فردی می‌پردازد. از دید او سبک زندگی و طبقه‌ی اجتماعی در ارتباط با هم قرار دارند. به بیان دیگر، میدان طبقات اجتماعی و فضای سبک‌های زندگی هومولوژی^۲ (همتایی) ساختاری دارند. در این معنی، افرادی که از موقعیت‌های طبقاتی همانندی برخوردارند، سبک‌های زندگی مشابه‌ای دارند (همان: ۲۴۱). از دید بوردیو برای در نظر گرفتن مفهوم سبک زندگی باید حجم و ترکیب سرمایه‌ها، طبع و قریحه‌ها، منش، میدان‌های مختلف (ورزش، موسیقی، غذا، سیاست، زبان، دکوراسیون) و سلیقه یا ذائقه را در نظر گرفت.

۷. یافته‌های پژوهش

از لحاظ تاریخی، می‌توان بسترهای ایجاد طبقه‌ی متوسط سنتی و طبقه‌ی متوسط جدید را به دوران قاجاریه و عصر مشروطیت نسبت داد، با این حال، تنها در دوره‌ی پهلوی اول است که همزمان با تمایز میدان‌های مختلف اجتماعی و منش‌های فردی، می‌توان نشانه‌های روشنی را از

1. Tastes
2. Homology

تمایز طبقات و سبک‌های زندگی مرتبط با آنها به دست آورد. در این دوره میدان‌های مختلف به ویژه میدان‌های اداری، قضایی، اقتصاد، ورزش، فرهنگ، دانشگاه، ادبیات، هنر و ... به تدریج از یکدیگر متمایز شدند (پرستش، ۱۳۸۵) و با توجه به تعدد راه‌های تصاحب سرمایه اقتصادی و برجسته شدن نقش سرمایه‌ی فرهنگی، زمینه‌های شکل‌گیری طبقه‌های اجتماعی مختلف ایجاد شد. به بیان دیگر، در دوره‌ی پهلوی اول، گسترش سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، در کنار تحول‌های گوناگون دیگر، شکل‌گیری فضا یا میدان طبقات اجتماعی (بورديو، ۱۳۹۰: ۱۸۴، ۱۸۵) و (شوارتز، ۱۹۹۷: ۱۳۶) را به همراه آورد و موقعیت‌های طبقاتی مختلف در درون این میدان را وضوح بخشید. ایجاد صنایع و کارخانه‌های مختلف به رشد سرمایه‌ی اقتصادی و ایجاد طبقه‌ی بالای سرمایه‌دار منجر شد که از سبک زندگی متمایزی برخوردار شدند. کارخانه‌ها، همچنین، در ایجاد و گسترش طبقه‌ی کارگر از سهم مهمی برخوردار بودند. در این دوره، بازاریان مذهبی با استفاده از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی خویش به عنوان یکی از مهمترین اجزای طبقه متوسط سنتی از نقش پررنگ‌تری برخوردار شدند و ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها به برجسته شدن نقش سرمایه فرهنگی یاری رساند و در کنار گسترش دیوان سالاری و پدید آمدن قشر اجتماعی کارمند، گسترش طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی متفاوت آنها را به همراه آورد (به عنوان نمونه نگاه کنید به: فوران، ۱۳۹۰: ۳۶۲-۳۵۲). به بیان دیگر، در این زمان، در طیفی از خانواده‌های متوسط و مرفه شهری، زمینه برای تقاضای آموزش جدید افزایش یافته بود و از میان اینها بود که گروهی پس از طی مراحل ابتدایی و متوسطه، متقاضی آموزش عالی می‌شدند و در دانشگاه جدیدالتاسیس تهران یا مدارس عالی وزارتخانه‌ها یا در دانشگاه‌های خارج از کشور ادامه تحصیل می‌دادند (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۱۷۰). می‌توان گفت، هدف رضاشاه از انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد یک طبقه‌ی متوسط جدید از صاحبان حرفه‌ها و کارگران جدیدی بود که سرشار از ارزش‌های ملی‌گرایی و وفاداری نسبت به او و دولت سکولار وی باشند (گارثویت، ۱۳۸۷: ۴۰۴).

در دوره‌ی پهلوی اول، رشد نظام اداری، نیاز روزافزون به تکنیسین‌ها و مدیران در همه سطوح (دولتی و خصوصی) و گسترش سریع سوادآموزی به سبک غربی به پیدایش طبقه‌ی متوسط جدید منجر شد که شامل صاحبان حرفه‌های آزاد، کارمندان دولتی، پرسنل نظامی، کارمندان اداری و تکنیسین‌های بخش خصوصی و روشنفکران بودند (اشرف و بنو عزیز، ۱۳۸۸: ۸۶). به بیان دیگر، در دوره پهلوی اول، طبقه‌ی متوسط جدید را می‌توان متشکل از چند رشته

دانست. این رسته‌ها عبارتند از: یک) کارمندان؛ دو) صاحبان تخصص و مهارت به عنوان تکنسین ماهر، مدیر عمومی، قاضی و پزشک؛ سه) لایه‌ی فرهنگی شامل روشنفکران، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، نویسندگان، معلمان و اساتید دانشگاه (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

در پژوهش حاضر، به منظور مطالعه‌ی طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی اعضای آن در دوره‌ی پهلوی اول بر دو حوزه‌ی مهم یعنی شهرسازی و معماری و ادبیات (رمان) تمرکز شده است تا بتوان به مدد تحلیل و بررسی آنها گوشه‌ها و زوایایی از سبک زندگی اعضای این طبقه را مشاهده کرد و به توصیف و تحلیل مولفه‌هایی مانند اوقات فراغت، روابط اجتماعی و برخی از دیگر مولفه‌های زندگی روزمره آنها پرداخت.

۷-۱- معماری و شهرسازی

ظهور مدرنیته و ایجاد طبقه‌ی متوسط جدید از ارتباطی وثیق با ساخت شهرها و گسترش شهرنشینی برخوردار است به نحوی که می‌توان شهرهای جدید را خاستگاه و بستر ظهور مدرنیته و طبقه متوسط جدید دانست (وهر، ۱۳۸۴). در دوره‌ی پهلوی اول، ایجاد، ساخت و گسترش شهرها در دستورکار قرار گرفت و بر جمعیت شهرنشین در کشور افزوده شد. البته در این دوره شهرسازی و معماری جدید عمدتاً بر پایتخت متمرکز بود و در همین راستا تمایز طبقات اجتماعی و سبک‌های زندگی بیشتر در تهران نمود یافت.

بنا بر برآوردهای انجام شده جمعیت ایران در سال ۱۳۲۰، در حدود ۱۵ میلیون نفر بود و تنها در حدود ۲۰ درصد جمعیت در شهرها ساکن بودند. در عین حال، شهر تهران با دگرگونی‌های بسیاری مواجه گشت به نحوی که جمعیت شهر از ۱۹۶۲۵۵ نفر در سال ۱۳۰۱ به ۷۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۲۰ افزایش یافت. در این سال، تهران به پنج ناحیه‌ی متمایز تقسیم می‌شد: بازار مرکزی سنتی، ناحیه‌ی اداری در شمال میدان توپخانه‌ی قدیم، حومه‌ی طبقه‌ی متوسط جدید در منتهی‌الیه شمال، منطقه‌ی صنعتی در جنوب غربی و یک زاغه نشین در جاده‌ی جنوب شرقی منتهی به گورستان شهر (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

معماری این دوره با ویژگی‌هایی چون برون‌گرایی، تغییرات در پلان و نقشه بنا، استفاده از مصالحی چون کاشی، آجر، سنگ، پنجره‌ها و درهای چوبی و نیز نرده‌ها و محافظ‌های پنجره‌ها، نماهای جدید، استفاده از پنجره‌ها و بالکن، استفاده از تزئینات جدید (مجسمه‌سازی و عناصر حجمی) مشخص می‌شود. ویژگی‌هایی که اساساً در معماری خانه‌های اعضای طبقه متوسط جدید و برخی از اعضای طبقه بالای جامعه به چشم می‌آیند.

ظهور پدیده‌ی برون‌گرایی در مقابل مهم‌ترین صفت معماری گذشته یعنی درون‌گرایی، اصلی‌ترین عامل محتوایی بود که باعث تغییرات شکلی در معماری این دوره گردید. بر این اساس و به عنوان نمونه، چرخش جهش پنجره‌ها از درون به بیرون و شکل‌گیری بالکن و پدیده بالکن-سازی در نماهای خیابان‌ها از ظهور این ویژگی در بین اعضای طبقه متوسط جدید و برخی از اعضای طبقه بالا جامعه خبر می‌دهد. این در حالی است که معماری خانه‌های اعضای طبقه‌های پایین و متوسط سنتی همچنان با درون‌گرایی پیوند داشت.

معماری دوره رضا [شاه] تحت تاثیر عوامل مختلف قرار داشت که از جمله‌ی آنها می‌توان به باستان‌گرایی، نظامی‌گرایی و تجددخواهی اشاره کرد. تمام این عوامل و به ویژه باستان‌گرایی در پیوند با نوعی ناسیونالیسم قرار داشت که خود را در معماری بناهای عمومی و خصوصی نشان می‌داد. عناصری مانند ستون‌ها، پایه ستون‌ها، پنجره‌ها، پلکان، ورودی‌ها، قوس‌ها و دهانه‌ها و عناصر تزئینی مانند نقوش برجسته، حجاری‌ها، مجسمه‌ها و کنگره‌ها بازتاب دهنده نوعی تفکر ناسیونالیستی با تاکید بر عناصر باستانی ایرانی بودند. با وجود این، در احیاء و بهره‌گیری از آثار معماری باستانی تنها به عناصر ظاهری و نمایی معماری توجه شد. ستون‌ها، سرستون‌ها، پلکان، نقوش تزئینی و نظایر آن از دوره‌ی هخامنشی و ساسانی به وام گرفته شد بدون آنکه از عملکرد، نقشه و پلان و فضای معماری آن دوره بتوان استفاده کرد (کیانی، ۱۳۷۹: ۶۶). عناصر و نشانه‌های باستانی در بناهای عمومی مانند کاخ شهربانی، بانک ملی، مدارس فیروز بهرام و انوشیروان، اداره پست و ساختمان شرکت سهامی فرش به شیوه‌های گوناگون به کار گرفته شدند (همان: ۲۰۸) ضمن آنکه این عناصر در معماری ساختمان‌های خصوصی که غالباً به اعضای طبقه متوسط جدید تعلق داشتند نیز به چشم می‌آمدند.

برنامه مدرن‌سازی رضاشاه، غربی شدن چهره‌ی شهر و تعقیب حرفه‌ای معماری در تجدید نظر در نوع خانه‌ها، مصالح و پلان‌ها موثر بود. در این دوره افراد بسیاری خواستار تغییر در شیوه‌ی زندگی و معماری مسکن خود بودند و از سبک‌های غربی استقبال می‌کردند (رحمانی مقدم، ۱۳۹۴). افرادی که عمدتاً از اعضای طبقات متوسط جدید و بعضاً بالای جامعه به حساب می‌آمدند. با توجه به اینکه پروژه‌های بزرگ معماری توسط دولت و بخش خصوصی انجام می‌شد و این پروژه‌ها دارای نمادهایی برجسته بود، ابهت و بزرگی ساختمان‌های دولتی و عمومی موجب تاثیر اجزا و عناصر آنها بر برخی ابنیه‌ی خصوصی شد. رواج راه و رسم جدید زندگی که با ظهور تاسیسات و تجهیزات نو در ساختمان همراه بود در کنار استفاده از فرم‌ها و عناصر و مصالح

خارجی به عنوان یک ارزش سبب ایجاد زمینه‌های اجتماعی به منظور الگوبرداری بخش خصوصی از بناهای دولتی و عمومی تازه تاسیس می‌شد (همان). به این ترتیب، بناهای متعلق به اعضای طبقات متوسط جدید و بعضاً بالای جامعه در هماهنگی با ساختمان‌های دولتی و عمومی از سبک‌های جدید معماری متاثر شدند.

در زمینه‌ی شهرسازی در دوره پهلوی اول به ساختار کهن شهر حمله شد و شهر تازه بر ویرانه‌های برج و باروهای قاجار بنا گشت؛ چراکه بافت و ساختار کهنه شهر تمثیل ساخت جدید قدرت نبود و نمی‌توانست آئینه اندیشه‌های آن باشد. این تغییرات بیشتر در مناطق مرکزی و شمالی شهر اتفاق افتاد و دامنه آن مناطق غربی و جنوبی شهر را نیز در بر گرفت. عبدالله مستوفی در جلد سوم کتاب «شرح زندگانی من» در مورد اقدامات شهرداری و تغییرهای رخ داده در فضای شهری چنین می‌گوید: «بعد از اینها به آسفالت‌ریزی و سنگفرش خیابانها پرداختند و از میدان توپخانه که تغییر اسم داده و به میدان سپه معروف گشته بود کار را شروع کردند. خیابانها یکی پس از دیگری آسفالت شد. آسفالت‌ریزی به خیابان‌های فرعی و بعضی از معابر و کوچه‌ها هم رسید حتی از شهر هم گذشت و از جانب جنوب تا کهریزک و از جانب مغرب تا نزدیکی کرج و از سمت شمال در دو خط تا تجریش راه‌های خارج شهر را هم آسفالت‌ریزی کردند (مستوفی، ۱۳۲۴: ۲۴۱).

افزون بر این، دولت به تاسیس زمین‌های فوتبال، مدارس جدید، مراکز پیشاهنگی دختران و پسران و بیش از ۴۰ سینما در شهرهای اصلی پرداخت. محله‌های قدیمی مبتنی بر فرقه‌های گوناگون-به‌ویژه هویت‌های حیدری-نعمتی و شیخی-مشرعی از میان رفت و محله‌های جدید عمدتاً بر مبنای طبقه، درآمد و پیشه‌های شغلی شکل گرفتند. در تهران، رضا شاه نام میدان توپخانه را به میدان سپه تغییر داد و در اطراف آن اداره جدید تلگراف و همچنین بانک ملی و موزه ایران باستان را احداث کرد. مجوز ساخت ۵ سالن سینما را در شمال تهران صادر کرد و در اطراف این سینماها نیز کافه‌ها، بوتیک‌ها، سالن‌های تئاتر، رستوران‌ها و کتاب‌فروشی‌هایی تاسیس شد که نشان دهنده شکل‌گیری شیوه‌ی جدید زندگی طبقه متوسط جدید بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۶۸). همچنین در شیراز چندین سینما ساخته شد و به معدود سینماهای باقی مانده از اواخر دوران قاجار افزوده شد. نخستین سینمای رسمی شیراز در دوره‌ی پهلوی در سال ۱۳۰۸ در خیابان زند، ابتدای خیابان رودکی افتتاح شد. نام این سینما «خورشید» و موسس آن خانی ربیع زاده بود که بعدها نام آن به سینما «پارس» تغییر یافت. در سال ۱۳۱۰

نیز سینما «شاهنشاهی» در خیابان انوری افتتاح شد و بعدها نام آن به «دیدبان» و «تاج» تبدیل شد (نصیری، ابوالقاسمی، ۱۳۹۹).

در اینجا می‌توان به خیابان لاله‌زار تهران به عنوان نمادی از تجدد نوظهور و فضایی به منظور بروز و تحکیم سبک زندگی جدید توجه کرد:

خیابان لاله‌زار در تهران یکی از مهمترین خیابان‌هایی است که از اواخر دوران قاجار و در عصر پهلوی اول از اهمیت بسیاری برخوردار شد به نحوی که می‌توان آن را یکی از مهمترین پاتوق‌های طبقه‌ی متوسط جدید به شمار آورد. به روزگار پهلوی اول، خیابان لاله‌زار آسفالت شد. این خیابان تفرجگاه تهرانی‌ها بود، عصرها زنان و مردان شیک‌پوش قدم‌زنان به سینما و تأثر می‌رفتند و پس از صرف غذا در رستوران‌هایش در پیاده‌رو آرام راه می‌رفتند و مباحثه ادبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌کردند. سال‌های بعد هر چند لاله‌زار پاتوق روشنفکرانی نظیر هدایت، چوبک، شاملو، نادرپور و ... با مباحثه‌های ادبی و مجادله‌های سیاسی و جز آن شده بود ولی با وجود این، هنوز این خیابان شانه از پذیرایی عوام و کسبه اهل دل خالی نکرده بود. اگر شازده‌های قجر و ثروتمندان فرنگی و فرنگ‌رفته‌ها میهمان «گراند هتل» می‌شدند، عشقی‌های کم پول تهران هم میهمان «کافه مامان آش» بودند (شهبازی، ۱۴۰۰). جعفر شهری در جلد اول کتاب «تهران قدیم» خیابان لاله‌زار در عهد پهلوی اول را «خیابان عشاق» نامیده است و آن را با سینماها و تاترها و رهگذران شیک‌پوشش توصیف می‌کند (شهری، ۱۳۷۱: ۲۷۸).

در مجموع، تغییرهای رخ داده در معماری و شهرسازی دوره‌ی پهلوی اول نشانگر تاثیر افکار و اندیشه‌های جدید و ایده‌هایی مانند باستان‌گرایی، ناسیونالیسم، نظامی‌گری و مدرنیسم، تمایز طبقات اجتماعی و پیدایش سبک‌های زندگی جدید است. خصوصیت‌های بناهای دولتی و عمومی اثرگذار در این دوره عبارتند از: تازگی بنا، ابهت، عظمت و بلندی بنا، دربرگرفتن نمادهای بزرگ، قرارگیری در معرض دید عموم، مطابقت با فرهنگ غرب و اقشار غرب‌گرای جامعه و مطابقت با نگاه زیبایی‌شناختی اقشار مدرن. در این میان، برون‌گرایی در ساخت بناهای عمومی و خصوصی، تغییر فضاهای شهری و ساخت خیابان‌ها، سردرها، میدین و ... از ایجاد طبایع، ذائقه‌ها و سبک‌های زندگی مرتبط با طبقه‌ی متوسط جدید خبر می‌دهد. ویژگی‌هایی که عمدتاً در محلات شمالی و مرکزی شهر که سکونتگاه اعضای طبقات متوسط جدید و بالا هستند مشاهده می‌شود و این مناطق و بناهای آنها از سایر محله‌ها و سایر بناها متمایز می‌سازند. در اینجا می‌توان پیدایش و تثبیت سبک زندگی اعضای طبقه‌ی متوسط جدید را در تغییر سبک

شهرسازی و معماری بناهای عمومی و خصوصی، ایجاد و تحول اوقات فراغت و روابط اجتماعی و تغییر در خوراک و پوشاک آنها مشاهده نمود. نموده‌هایی مانند خیابان گردی، خرید از مغازه‌های جدید، حضور در سالن‌های نمایش، سینماها، موزه‌ها، باشگاه‌ها، رستوران‌ها و کافه‌ها نشان دهنده افرادی است که با برخورداری از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی جدید و بهره‌مندی از منش و ذائقه طبقاتی نوظهور این فضاها و کالاهای مرتبط با آنها را به مصرف می‌رسانند. به بیان دیگر، مجموع تغییرات شکل گرفته در عرصه معماری از گسترش طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی مرتبط با آن خبر می‌دهد.

۷-۲- میدان ادبیات

میدان ادبیات یکی از مهمترین میدان‌هایی بود که در دوره‌ی پهلوی اول از استقلال نسبی برخوردار شد (پرستش، ۱۳۸۵ و ابادری و تسلیمی طهرانی، ۱۳۸۸). پیدایش رمان در ایران به سال‌های ابتدایی قرن گذشته بازمی‌گردد. در این راستا، پس از معدود رمان‌های تاریخی نوشته شده در دوره‌ی مشروطه، در دوره‌ی پهلوی اول، می‌توان از نویسندگانی چون مرتضی مشفق کاظمی، عباس خلیلی، یحیی دولت‌آبادی، محمد حجازی، ربیع انصاری و ... به عنوان نخستین رمان‌نویسان ایرانی یاد کرد و در سال‌های بعد، باید به نام رمان‌نویسانی چون جهانگیر جلیلی، محمد مسعود، علی دشتی، محمد جمالزاده و صادق هدایت اشاره کرد.

در همین دوره است که هدایت آثاری مانند کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۱۸)، گجسته ابالیش (۱۳۱۸)، شهرستان‌های ایران (۱۳۲۱)، یادگار جاماسب (۱۳۲۲)، گزارش کمان شکن (۱۳۲۲) و زند و هومن یسن (۱۳۲۳) را از پهلوی به فارسی ترجمه کرد. رمان‌هایی که دربرگیرنده اندیشه‌های ناسیونالیستی هستند و از سوی طبقه متوسط جدید در حال ظهور مورد استقبال قرار گرفتند. همچنین، در این دوره نیز رمان‌های تاریخی از اهمیت بسیاری برخوردارند و ضمن تاکید بر مفاهیم تاریخی و باستانی زمینه‌ساز گسترش بیشتر تفکرات ناسیونالیستی به ویژه در بین اعضای طبقه متوسط جدید هستند.

با نگاهی به داستانهای کوتاه و رمان‌های منتشر شده در سال‌های پس از انقلاب مشروطه و به خصوص در فاصله‌ی سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش می‌توان آثار روشنی از بروز تغییرات اجتماعی و تحولات فرهنگی در جامعه‌ی آن روز را مشاهده کرد. در نتیجه، آثار ادبی اشاره شده، از زمینه‌های شکل‌گیری طبقات اجتماعی و سبک‌های زندگی جدید، به ویژه ظهور طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی متناظر با آن، خبر می‌دهند.

به منظور آشنایی با فضای زندگی روزمره، تحولات اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته، ظهور طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی متناظر با آن در دوران پهلوی اول، در اینجا بر سه اثر هما (۱۳۰۷)، پریچهر (۱۳۰۸) و زیبا (۱۳۱۱) از نویسنده‌ی نام‌آشنای این دوره، محمد حجازی تمرکز می‌شود. انتخاب این آثار، بر اساس شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند از آن رو بوده است که در آنها سبک زندگی اعضای طبقه متوسط جدید با وضوح بیشتری نسبت به دیگر رمان‌های نوشته شده در آن دوره به تصویر کشیده شده است. قهرمانان رمان‌های او غالباً از اعضای طبقه متوسط جدید هستند و رویدادهای زندگی آنها در این آثار به نمایش درآمده است. به بیان دیگر، محمد حجازی یکی از نویسندگان محبوب اعضای طبقه متوسط جدید در آن دوره است که آثار او از سوی آنها خریداری و مطالعه می‌شود به نحوی که اعضای این طبقه نوظهور می‌توانند بخش مهمی از جریان‌ها و تحول‌های زندگی خود را در آثار او مشاهده کنند.

در رمان «هما»، «حسن علی خان» مردی روشنفکر و اهل مطالعه است که سرپرستی «هما» دختر دوست مرحومش را بر عهده گرفته است. «حسن علی خان» از هیچ کوششی در راه زندگی «هما» دریغ نمی‌کند تا اینکه «منوچهر» به خواستگاری «هما» می‌آید. «هما» دل در گرو «منوچهر» می‌بندد و از طرف دیگر «حسن علی خان» به عشق خفته خویش به «هما» آگاه می‌شود. «منوچهر» دست به اقدامات عملی می‌زند و به یاری دوستش «شیخ حسین» برضد «حسن علی خان» دسیسه می‌چیند. «حسن علی خان» نیز در دل آرزو می‌کند که مشکلی برای «منوچهر» پیش آید و بی‌آبرو گردد. در نهایت «حسن علی خان» که مقامی مهم در وزارت مالیه دارد به قصد ماموریت به قزوین می‌رود و در آنجاست که با دسیسه‌های «شیخ حسین» به دام روس‌ها می‌افتد. «شیخ حسین» که خود نیز به دنبال «هما» است سعی در بیرون کردن «حسن علی خان» و «منوچهر» از میدان مبارزه دارد اما در نهایت «حسن علی خان» آزاد می‌شود و او شکست می‌خورد. «منوچهر» نیز از اقدامات خواسته و ناخواسته‌ی خود پشیمان می‌گردد و خود را فردی می‌نامد که به جنون اخلاقی مبتلا شده است. «هما» که با خواندن دفترچه خاطرات «خان عمو جان» از عشق او به خویش آگاه شده از اقدامات «بیشرفانه» «منوچهر» بیزار می‌گردد و به عظمت اخلاقی «حسن علی خان» پی می‌برد. به این ترتیب همه چیز برای وصلت «حسن علی خان» و «هما» آماده شده است. آنها با هم ازدواج می‌کنند و «منوچهر» به اصفهان بازمی‌گردد تا از «مه لقا» زنی که در نوجوانی به او تحمیل شده و دو فرزندش نگهداری کند. در این داستان، «هما» که می‌توان او را قهرمان زن داستان دانست دختری است زیبا و تحصیلکرده که

به تربیت نسوان علاقه‌مند است. روزها در مدرسه به آموزش و پرورش دختران می‌پردازد و باقی ساعات را صرف مطالعه می‌کند. «هما» از پدری طبیب متولد شده و با مادر کم اطلاع و بی‌سوادش در خانه‌ای «آراسته و مزین» زندگی می‌کند (حجازی، ۱۳۳۹: ۴۵). «حسن علی خان» تحصیل کرده دارالفنون است. کتابخانه‌ی دیواری‌اش از کتاب و دفتر انباشته شده، به مطالعه و تحقیق اشتغال دارد و چند جلد کتاب در تاریخ و اقتصاد نوشته که هیچ گاه طبعش به انتشار آنها اقبال نکرده (همان: ۸). او به ریاست اداره تبذیر منصوب می‌شود و مورد اعتماد وزیر مالیه قرار می‌گیرد. در ادامه به عنوان «امین مالیه» دولت ایران در قزوین انتخاب می‌شود و عنایات وزارت خارجه شامل حالش می‌گردد (همان: ۳۵). در نهایت، «منوچهر» جوانی است که اگرچه از خانواده‌ای فرودست و «دهاتی» برخاسته، تحصیلاتش را در مدرسه آمریکایی به اتمام می‌رساند و به تاجری با مال و منال و فردی معتبر و مشهور تبدیل می‌شود (همان: ۲۳). در این داستان نویسنده می‌کوشد «هما» را سرمشق پاکدامنی، نماد زن مترقی، آزاد و امروزی و حسن علی خان را نمونه روشنفکر شرافتمند و فروتن نشان دهد (کامشاد، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

در رمان «پریچهر»، «علی» تاجر جوانی است که در مغازه‌ی ساعت فروشی به کسب و کار مشغول است. در آنجا است که با «پریچهر»، از مشتری‌های مغازه، آشنا می‌شود و دل به او می‌بندد. «علی» دوستی به نام «فریودون» دارد که او را با «پریچهر» آشنا می‌کند و پس از مدتی به تحریک «پریچهر» به رابطه‌ی آن دو مشکوک شده به دوستی خویش با «فریودون» خاتمه می‌دهد. در این اثنا است که به درخواست «پریچهر» سفری را به مقصد خراسان آغاز می‌کنند. آنها در بین راه گرفتار راهزنان ترکمان می‌شوند و راهزنان «پریچهر» را به اسارت گرفته با خود می‌برند. «علی» تلاش می‌کند تا به هر طریق «پریچهر» را پیدا کند و در نهایت او را به همراه «عمر خان» می‌یابد در حالی که «پریچهر» به «عمر خان» اظهار عشق کرده و خود را زن و شوهر می‌دانند. در اینجاست که «علی» به آنها حمله کرده و در یک درگیری هر دوی آنها را به قتل می‌رساند. هنگامی که «علی» به تهران می‌رسد با نامه‌ی «فریودون» مواجه می‌شود. «فریودون» در این نامه از اظهار عشق «پریچهر» به خود و جواب منفی‌اش به او صحبت کرده و فاش کرده است که «پریچهر»، «علی» را دوست نداشته و می‌خواسته به قصد معاشقه با فردی به خراسان برود. در این داستان شخصیت‌های اصلی از طبقه‌ی متوسط جدید هستند. «پریچهر» دختر زیبایی است که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار است و در اروپا رشد کرده و تربیت شده است (حجازی، ۱۳۴۵: ۱۵). «علی» و «فریودون» نیز در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند. این رمان،

شرح عشق و ورزی‌ها و فریبکاری‌های دختر جوانی است که شیفته‌ی مظاهر تجدد و سبک زندگی جدید شده و در این راه با مردی تحصیلکرده و متجدد ازدواج کرده است. دختری که پس از مدتی، محبوب خود را رها کرده و دل در گرو مردان دیگری بسته است. همچنین در این رمان اشاره‌هایی به سبک زندگی، لوازم مصرفی و شیوه‌های رفتاری جدید مشاهده می‌شود که نمونه‌هایی از آنها در اینجا آورده می‌شود: «خانه ما بزرگ نبود ولی از حیث قشنگی ساختمان و وضع خوش و راحت اتاقها در شهر نظیر نداشت... بنا بدستور پریچهر، از روی یک نقشه عمارت ییلاقی اروپا ساخته شده و بهترین مصالح در آن بکار رفته بود، بیست و پنج هزار تومان برای این بنای کوچک خرج کرده بودم، میل و زینت و کلیه لوازم به سلیقه پریچهر بود و من جز انجام دادن میل او کاری نمی‌کردم» (همان: ۱۸).

در رمان زیبا، با زندگی یک فرد روستایی به نام «شیخ حسین» آشنا می‌شویم. او به قصد تحصیل علوم دینی از مزینان به سبزوار و از آنجا به تهران آمده و در دام فریبکاری‌های فاحشه‌ای به نام «زیبا» افتاده است. در اینجا «شیخ حسین» با چهره‌ی تازه شهر مواجه می‌شود و در کشاکش زندگی شهری بر اثر دلربایی‌ها و خودفروشی‌های زیبا به مقامات بلند پایه‌ی سیاسی دست می‌یابد. حجازی در این داستان، نگاه خویش به دستگاه بوروکراتیک تازه استقرار یافته را شرح می‌دهد و به تحلیل مفاسد اداری مختلفی می‌پردازد که گریبان ادارات دولتی را گرفته است. او توضیح می‌دهد که چگونه «شیخ حسین» با استفاده از روابط «زیبا» با مقامات دولتی وارد دستگاه اداری می‌شود و تا بالاترین مدارج حکومتی را طی می‌کند. «غامض الدوله پرسید شما چه قرابتی با زیبا خانم دارید؟ گفتم پسرخاله ایشانم. پاکتی از بغل درآورد و بمن داد. گفت این حکم استخدام شماست ... فردا صبح خیلی زود بیایید اینجا با هم برویم بوزارتخانه. سرش را از درشکه بیرون آورد و آهسته بگوشم گفت: دیگر مزاحم حال زیبا نشو، هر کاری داری بمن رجوع کن!» (حجازی، ۱۳۲۷: ۵۹). «شیخ حسین» مراتب دولتی را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد تا آنجا به کمک پارتی‌بازی، رشوه و فساد به شهرت می‌رسد: «خلاصه اینکه رفقا باتفاق ریاست و برتری مرا شناختند. در مدت چند روز چنان شخصیتی در شهر پیدا کردم که خانهاام زیارتگاه کلیه طبقات مردم شد. آنقدر مطلب و تقاضاهای مختلف و عجیب بگوشم فرومیکردند که پس از چندی اصلا بحرفها گوش نمی‌دادم و از آنهمه راز و نیاز و خواهش و تمنا جز صداهائی شبیه به وزوز پشه و زنبور نمی‌شنیدم و سرم دایم بعلاقت قبول و موافقت در حرکت بود اما همینکه در ضمن تقاضا اسمی از قالی و قالیچه و سینی و انگشتر الماس و طاقه شال و پول نقد و

این قبیل موضوعات برده میشد از خواب و خیال بیدار میشدم و میگفتم چشم، مطمئن باشید، اقدام میکنم، حتما انجام خواهد شد، آسوده باشید... (همان: ۵۲۶).

با نگاهی به رمان‌های اشاره شده و تحلیل محتوی آنها با موضوعاتی روبه رو می‌شویم که نشاندهنده انتقال از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی جدید و تمایز یافته است. این موضوع‌ها از ایجاد و تحول اوقات فراغت و تغییرات رخ داده در روابط اجتماعی زنان و مردان خبر می‌دهند. به عنوان نمونه، همانطور که رمان‌های اولیه در غرب مانند "مادام بوواری" (گوستاو فلوبر)، «مال فلاندرز» (دیفو)، «پملا» (ریچاردسون)، «کلاریسا» (ریچاردسون) و «تام جونز» (فیلدینگ) مضمونی اجتماعی دارند و عمدتاً پیرامون زنان و مسایل اجتماعی مرتبط با آنان شکل گرفته‌اند (وات، ۱۳۷۹)، در اینجا نیز زنان از شخصیت‌های اصلی رمان‌های اشاره شده هستند و زندگی خصوصی و عمومی آنها در خلال داستان شرح داده می‌شود. در این رمان‌ها، با زنانی از طبقه متوسط جدید آشنا می‌شویم که شاید برای نخستین بار می‌توانستند به تنهایی از منزل خارج شوند، تحصیل و کار کنند و با برخورداری از سبک متمایز پوشش خود به مصرف فضاهای تازه تولد یافته‌ای چون فروشگاه‌ها، بوتیک‌ها و کافه‌ها بپردازند. افزون بر این، با دقت در محتوی داستان‌های مذکور می‌توان با شکل‌های جدید سرگرمی‌ها، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و شیوه مصرف کالاهایی آشنا شد که از سوی اعضای این طبقه مورد استقبال قرار می‌گیرند.

پرداختن به موضوع‌هایی مانند عشق رمانتیک، عشوه‌گری و فریبکاری و توجه به تغییرهای اجتماعی موجود در زمینه‌ی ازدواج جوانان از گسترش طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی مرتبط با آن حکایت کند. به بیان دیگر، در این دوره برخلاف رویه‌های تاریخی و الگوهای مرسوم در بین طبقات سنتی جامعه، زنان و مردان طبقه متوسط جدید می‌توانستند شریک زندگی خود را به دست خویش انتخاب کنند و خانواده هسته‌ای (در برابر خانواده گسترده) خویش را بر مبنای مفاهیمی چون عشق رمانتیک تشکیل دهند.

در مجموع، زمینه‌های پیدایش و تمایز منش‌های فردی، میدان‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی و سبک‌های زندگی در آثار ادبی دوره‌ی پهلوی اول هویدا است و از آنجا که جهان اثر را می‌توان بازتابی از جهان واقع در نظر گرفت (بوردیو، ۱۹۹۶)، ظهور تمایزهای گوناگون و به ویژه پیدایش طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی متناظر با آن در این دوره مشخص می‌شود.

۸. جمع بندی و نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده در مورد معماری و شهرسازی در دوران پهلوی اول از ظهور تغییرهای عمده در سبک معماری بناهای عمومی و خصوصی و دگرگونی‌های عظیم در فضای شهری خبر می‌دهند. در این دوره، بناهای عمومی و ساختمان‌های دولتی با برخورداری از ویژگی‌هایی مانند تازگی، ابهت، عظمت، بلندی و دربرگرفتن نمادهای بزرگ در معرض دید همگان قرار می‌گیرند و بناهای خصوصی در راستای تغییر جهت از درون‌گرایی به برون‌گرایی از ویژگی‌های جدیدی برخوردار می‌شوند. در حوزه‌ی شهرسازی، شکل‌گیری خیابان‌ها، پل‌ها، میادین و ساخت سینماها، سالن‌های نمایش، هتل‌ها، مغازه‌ها، کافه‌ها، رستوران‌ها و امثال آن‌ها از گسترش شهر و شهرنشینی و تغییرهای رخ داده در مولفه‌های خوراک، پوشاک، اوقات فراغت و روابط اجتماعی خبر می‌دهند. تحول‌های اشاره شده نشانگر ظهور تمایزهای طبقاتی، شکل‌گیری طبقه متوسط جدید و سبک زندگی متناظر با آن است. طبقه متوسط جدیدی که در خانه‌های برخوردار از معماری نوین سکنی گزیده، در اداره‌ها و ساختمان‌های دولتی جدید مشغول به کار شده و فضاهای شهری نوظهور را مصرف می‌کند.

آثار ادبی تولید شده در دوره پهلوی اول را می‌توان بازتابی از اوضاع و شرایط اجتماعی روز و انعکاسی از تحولات مختلف زندگی روزمره در نظر گرفت. بازخوانی و تحلیل برخی از رمان‌های نوشته شده به وسیله‌ی نویسندگان شاخص این دوره بیانگر برجسته شدن موضوع‌هایی مانند حضور مردان و به ویژه زنان در زندگی اجتماعی، تحول اوقات فراغت و روابط اجتماعی، ازدواج و عشق به سبک جدید، مشکلات خانوادگی، مسائل اجتماعی مانند فساد، فحشا، زد و بندهای اداری، رشوه‌دهی، رشوه‌گیری و مسایلی از این دست است که از وجود این پدیده‌ها در دوران پهلوی اول خبر می‌دهد. بازخوانی و تحلیل این آثار همچنین از شکل‌گیری تمایزهای طبقاتی و سبک‌های زندگی جدید خبر می‌دهند. قهرمانان برخی از این آثار از طبقه‌ی متوسط جدید برخاسته‌اند و فضاهای توصیف شده در این رمان‌ها نشانگر ظهور طبقه متوسط جدید و سبک زندگی متناظر با آن است.

افزون بر این، بر اساس توصیف‌ها و تحلیل‌های ارائه شده در مورد طبقه‌ی متوسط جدید و سبک زندگی اعضای آن در دوره پهلوی اول به نظر می‌رسد می‌توان به جهانبینی و ارزش‌های اعضای این طبقه پی برد. در اینجا کوشش می‌شود که از دریچه‌ی چشم اعضای طبقه‌ی متوسط جدید در دوره‌ی تاریخی اشاره شده به تحولات اجتماعی آن دوران نگریسته شود. اطلاعات

تاریخی گردآوری شده در مورد طبقه متوسط جدید و سبک زندگی آنها و تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که جهان بینی و ارزش‌های اعضای این طبقه می‌تواند در مولفه‌های زیر به نمایش گذاشته شود. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی و با تحلیل موارد به شیوه‌ی استقرایی، مقولات مختلف استخراج شدند و در ذیل مقولات اصلی قرار گرفتند (جدول شماره ۱).

۸-۱- فردگرایی

می‌توان گفت از هنگامی که رضاشاه، دریافت شناسنامه را اجباری اعلام کرد و افراد را به انتخاب نام خانوادگی ملزم ساخت، ظهور فردیت و پیدایش منش‌های فردی آغاز شد. در این زمان هر فرد می‌توانست شناسنامه خود را به عنوان نماد تمایز خویش از دیگری در دست گیرد و خود را فردی متمایز از دیگران بداند (پرستش، ۱۳۸۵). شواهد فراهم آمده از سبک زندگی اعضای طبقه‌ی متوسط جدید در دوره‌ی پهلوی اول مانند تغییرات شکل گرفته در سبک معماری خانه‌ها، ایجاد فضاهای جدید شهری و مطرح شدن موضوع‌هایی مانند تحصیلات و اشتغال مردان و زنان، عشق رمانتیک و انتخاب شریک زندگی نشان‌دهنده‌ی اهمیت فردگرایی در جهان بینی و ارزش‌های اعضای این طبقه است. تغییر جهت از درونگرایی به برون‌گرایی که از خصوصیات معماری مسکن اعضای طبقه متوسط جدید در این دوره است از کاهش اهمیت گروه‌های مبتنی بر خانواده‌ی گسترده، روابط اجتماعی درون خانوادگی و حرکت به سمت فضاهای بیرونی فردگرایانه خبر می‌دهد. شکل‌گیری فضاهای جدید شهری مانند کتابخانه‌ها، سالن‌های نمایش و رقص، سینماها و کافه‌ها و استقبال اعضای طبقه متوسط جدید از آنها می‌تواند بیانگر حرکت به سمت فردگرایی باشد. مثلاً، پیدایش کافه‌ها در کنار قهوه‌خانه‌ها در عین حال که از تحول در شیوه‌ی خوراک افراد خبر می‌دهد، با وضوح بیشتری تمایل به جایگزینی فردگرایی با جمع‌گرایی را به نمایش می‌گذارد. زیرا فضای کافه برخلاف فضای قهوه‌خانه (که غالباً به اعضای طبقات پایین و سنتی جامعه تعلق داشت) بیشتر از آنکه به جمع تعلق داشته باشد به فرد اختصاص دارد.

مطرح شدن مسائلی چون دوستی و عشق در روابط بین دو جنس و برجسته شدن دلفریبی‌ها و عشوه‌گری‌ها از سوی دختران و پسران جوان که هم در شرح‌های نوشته شده از خیابان‌هایی مانند لاله زار (شهری، ۱۳۷۱: ۲۷۸) و هم در لابلای صفحه‌های رمان‌های مشهور این دوره (حجازی، ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸) به چشم می‌آید نشان‌دهنده‌ی تغییر بستر روابط اجتماعی و روابط

خانوادگی است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد ازدواج که پیش از این موضوعی درون خانواده‌ای و حاصل تصمیم‌گیری جمعی به حساب می‌آمد در حال تغییر به موضوعی فردی و مبتنی بر خواست و اراده‌ی افراد است. توجه به زنان و موضوعات مرتبط با آنها مانند تحصیل، برخورداری از حقوق اجتماعی، حضور در جامعه و تاکید بر ترقی و پیشرفت آنها جملگی از شکل‌گیری شخصیت فردی زنان و خارج شدن آنها از چنبره‌ی سنت‌های جمعی و خانوادگی خبر می‌دهد.

۸-۲- ناسیونالیسم

اندیشه‌های ناسیونالیستی یا ملی‌گرایانه یکی از مهمترین تفکراتی است که در دوره‌ی پهلوی اول در نزد هیئت حاکمه به چشم می‌خورد. رضا شاه خود بر تفکرات ناسیونالیستی تاکید داشت و نخبگان سیاسی و فرهنگی آن دوران نیز اندیشه‌های خود را بر این اساس تنظیم می‌کردند. در همین راستا، شواهد مختلف از حوزه‌های معماری و ادبیات نشان‌دهنده‌ی آن است که اعضای طبقه‌ی متوسط جدید نیز کم یا بیش از جهانی‌ناسیونالیستی برخوردار بودند و از ارزش‌های ناسیونالیستی دفاع می‌کردند.

بر مبنای این تفکر، تاریخ باستانی ایران، مظاهر فرهنگی آن و زبان فارسی از اهمیت بسیاری برخوردار است و از جمله مبانی شکل‌گیری هویت ایرانی به حساب می‌آید. بر اساس این رویکرد، ایران باستان دربرگیرنده‌ی مولفه‌های ارزشمندی است که نشان‌دهنده‌ی عظمت، اقتدار و شکوه تمدن ایرانی است و با بازگشت به آن می‌توان به پیشرفت و ایجاد "دولت-ملت" در ایران نائل شد. همچنان که اشاره شد، مولفه‌های باستان‌گرایی در معماری این دوره و در بناهای عمومی و خصوصی ساخته شده در این زمان متجلی است. رمان‌های تاریخی نوشته شده در این دوره، در کنار رمان‌های ترجمه شده به فارسی دربرگیرنده‌ی مفاهیم و ارزش‌های باستان‌گرایانه گوناگون است. نویسندگان و مخاطبان این رمان‌ها غالباً از اعضای طبقه‌ی متوسط جدید هستند و بر پایبندی به ارزش‌های ناسیونالیستی تاکید می‌کنند.

۸-۳- تجددگرایی

تجددگرایی از جمله مولفه‌هایی است که در این دوره در جهانی‌ناسیونالیستی و ارزش‌های هیئت حاکمه و اعضای طبقه‌ی متوسط جدید به چشم می‌خورد. همانگونه که قبلاً اشاره شد، جامعه‌ی ایران از اواخر دوران قاجار و به ویژه در دوره‌ی پهلوی اول در معرض امواج مدرن قرار گرفت. در این دوره، تمایز منش‌های فردی و میدان‌های اجتماعی از ظهور مدرنیته (در معنای تمایز مورد نظر

بورديو) در جامعه‌ی ایران خبر می‌دهند. سفر رضاشاه به ترکیه و سفرهای وزراء و تحصیلکردگان این دوره به کشورهای اروپایی زمینه‌ی آشنایی هرچه بیشتر با تجدد و شیفتگی نسبت به آن را موجب شد به نحوی که بسیاری از مظاهر تجدد در بخش‌های مختلف جامعه و در سبک زندگی اعضای طبقه‌ی متوسط جدید متبلور شدند.

اندیشه‌های ناسیونالیستی و تجددگرایی می‌توانند در تضاد با هم تعریف شوند. به بیان دیگر، اگر گذشته‌ی باستانی ایران و تاریخ کهن ایران کلید تمام مشکلات را در بر دارد چرا باید متجدد شد و جواب سئوالات خود را از غرب و از تفکرات مدرن گرفت؟ در پاسخ به این سؤال، گفتمان ناسیونالیستی بر آن بود که جنبه‌های مثبت تمدن غرب از ایران اخذ شده است و بنابراین میان بازگشت و احیای ارزش‌های ایرانی پیش از اسلام و تجدد غربی ناسازگاری اساسی وجود ندارد (صادقی، ۱۳۸۴: ۸۷). این اندیشه‌ای است که در این دوره از طرفداران خاص خود برخوردار بود. شکی نیست که در این دوره، تجددگرایی در معماری بناهای عمومی و شهرسازی و همچنین در معماری ابنیه‌ی خصوصی افراد متجلی است و از جمله ویژگی‌های آن به حساب می‌آید. رمان‌ها و آثار ادبی این دوره با نگاه‌های متجددانه گره خورده‌اند و ارزش‌های متجددانه‌ای مانند حضور زنان در مجامع عمومی، تحصیل زنان، خانواده‌ی هسته‌ای و عشق رمانتیک را در خود بازتاب می‌دهند.

جدول شماره ۱: مقولات اصلی و فرعی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	حوزه
تجددگرایی، ناسیونالیسم، فردگرایی	برون گرایی، تازگی بنا، ابهت، عظمت و بلندی بنا، دربرگرفتن نمادهای بزرگ، تغییرات در پلان و نقشه بنا، استفاده از مصالحی چون کاشی، آجر، سنگ، درهای چوبی، نرده‌ها و محافظ‌های پنجره‌ها، نماهای جدید، استفاده از پنجره‌ها و بالکن، استفاده از تزئینات جدید (مجسه سازی و عناصر حجمی و...) آسفالت‌ریزی و سنگفرش خیابان‌ها، تخریب محله‌های قدیمی و ایجاد محله‌های جدید، ساخت سینماها، سالن‌های تئاتر، کافه‌ها، رستوران‌ها، مغازه‌های جدید، کتاب‌فروشی‌ها، باشگاه‌ها، هتل‌ها و ...	معماری و شهرسازی
فردگرایی، تجددگرایی، ناسیونالیسم	استقبال از کالاهای مصرفی، پیدایش شیوه‌های رفتاری جدید، خروج زنان از منزل، تاکید بر حقوق	ادبیات (رمان)

مقولات اصلی	مقولات فرعی	حوزه
	زنان و پیشرفت آنها، تحصیل و اشتغال زنان و مردان، مصرف فضاهای جدید مانند مغازه‌ها، و کافه‌ها، پیدایش شکل‌های جدید سرگرمی و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، عشق ورزی‌ها و فریبکاری‌های دختران و پسران جوان، شکل‌گیری عشق رمانتیک، ازدواج و تشکیل خانواده هسته‌ای	

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹) تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۲) ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی کاظم فیروزمین، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز.
- آزاد ارمکی، تقی، حاضری، محمد علی، ساعی، علی و نصرتی نژاد، فرهاد (۱۳۹۹) تبیین جامعه‌شناختی سیاست‌های هویتی دولت پهلوی اول، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و یکم، شماره ۳، ۵۹-۸۱.
- ابادری، یوسف و تسلیمی طهرانی، رضا (۱۳۹۱) صورتبندی میدان تولید ادبی ایران معاصر (مطالعه موردی: محمد حجازی و صادق هدایت)، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال چهارم، شماره اول، صفحات ۵-۲۹.
- ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) از "طبقه اجتماعی" تا "سبک زندگی" رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی، در نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۳-۲۷.
- اشرف، احمد و بنو عزیزی، علی (۱۳۸۸) طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسابی، انتشارات نیلوفر.
- اکبری، محمد علی (۱۳۸۴) تبارشناسی هویت جدید ایرانی عصر قاجار و پهلوی اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اووه، فلیک (۱۳۹۱) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱) نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردی‌پها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰) تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- پیردیگار، ژان، هورکاد، برنار، ریشار، یان (۱۳۷۷) ایران در قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا مهدوی، نشر البرز.

پرستش، شهرام (۱۳۸۵) صورتبندی میدان تولید ادبی ایران، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

جوادی یگانه، محمد رضا و عزیزی، فاطمه (۱۳۸۸) زمینه‌های فرهنگی و ادبی کشف حجاب در ایران؛ شعر مخالفان و موافقان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱، ۹۹-۱۳۷.

حجازی، محمد، (۱۳۲۷)، زیبا، تهران: چاپخانه مجلس.

حجازی، محمد، (۱۳۳۹)، هما، تهران: چاپخانه مجلس.

حجازی، محمد، (۱۳۴۵)، پریچهر، تهران: چاپخانه مجلس.

ذکایی، سعید، امن پور، مریم و اکبری، اندیشه (۱۳۹۸) دیرینه‌شناسی برساخت زنانگی در ایران از عصر مشروطه تا پایان پهلوی اول، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیستم، شماره ۴، ۸۶-۱۱۵.

رایت، الین، (۱۳۹۹) فهم طبقه، ترجمه‌ی محمد حسین بحرانی، تهران: نشر آگاه.

رحمانی مقدم، مریم (۱۳۹۴) نقش و تاثیر عوامل دولتی بر بناهای خصوصی در دوران پهلوی اول، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.

زاهدی، محمد جواد و حیدرپور، محمد (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی انزوای روشنفکران، نقد کنش‌های روشنفکران عصر مشروطه تا پایان سلطنت پهلوی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، ۱۲۷-۱۶۴.

شهبازی، داریوش (۱۴۰۰) تاریخچه لاله زار <https://www.darioush-shahbazi.com/articles>

شهری، جعفر (۱۳۷۱) طهران قدیم، جلد اول و سوم، تهران: انتشارات معین.

صادقی، فاطمه (۱۳۸۴) جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران، تهران: قصیده سرا.

عابدینی، حسن (۱۳۷۷) صد سال داستان نویسی در ایران. تهران: نشر تندر.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸) سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

فوران، جان (۱۳۹۰) مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۷) جامعه و دولت در دوره رضا شاه در تورج اتابکی (۱۳۸۷) تجدد آمرانه، ترجمه مهدی حقیقت نژاد، تهران: ققنوس.

کامشاد، حسن (۱۳۸۴) پایه گذاران نثر جدید فارسی، تهران: نشر نی.

کمالی، مسعود (۱۳۸۱) جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات باز.

کیانی، مصطفی (۱۳۷۹) معماری در دوره پهلوی اول، رساله دکتری معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.

گارثویت، رالف (۱۳۸۷) تاریخ سیاسی ایران، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: نشر اختران.

مستوفی، عبدالله (۱۳۲۴) شرح زندگانی من، جلد سوم، تهران.
نصیری، پریا و میرزا ابوالقاسمی، محمد صادق (۱۳۹۹) تاریخ تاسیس سینماهای شیراز در دوره پهلوی، در
نشریه گلستان هنر، شماره ۱۹.
وات، ایان (۱۳۷۹) پیدایی قصه، ترجمه ناهید سرمد، تهران: نشر علم.
وبر، ماکس (۱۳۸۴) شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Bourdieu, Pierre A (1996) *The Rules of Art: Genesis of structure of the Literary Field*, translated by Susan Emanuel, Polity Press.

Bourdieu, Pierre B (1996) *The State Nobility*, Translated by Laurttac Clough, Oxford: Polity Press.

Jenkins, Richard (1996) *Pierre Bourdieu*, London: Routledge.

Swartz, David (1997) *Culture & Power: The sociology of Pierre Bourdieu*, The University of Chicago Press.